شنبه ۷ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۳۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

ایده‌هایی برای تأمین مالی کالاهای عمومی در کریپتو

چطور وب۳ می‌تواند هزینه‌های خدمات عمومی را از کاربران خود تأمین کند!

هومن جعفری
مترجم

اگر زمانی را در وب۳ سپری کرده باشید، احتمالا با اصطلاح «کالاهای عمومی» برخورد کرده‌اید. درحالی‌که تعریف آن اغلب مورد بحث است، نیاز به تأمین مالی کالاهای عمومی به‌طور گسترده‌ای توسط کسانی که اهمیت آن را درک می‌کنند، پذیرفته شده است. چهره‌های کلیدی مانند ویتالیک بوترین، بنیاد اتریوم و سازمان‌هایی مانند پروتکل گیلد، اوکتنت، اپتیمیزم و گیت‌کوین این موضوع را در اولویت قرار داده‌اند. به‌طور سنتی، تأمین مالی کالاهای عمومی به‌عنوان یک عمل خیریه دیده می‌شود اما اگر راه دیگری وجود داشته باشد، راهی که بتواند نوآوری را در اکوسیستم پیش ببرد درحالی‌که جوهره تأمین مالی کالاهای عمومی را حفظ کند. اگر می‌توانستیم هزینه تأمین برخی از کالاهای عمومی را به خوبی تأمین کالاهای خصوصی تهیه کنیم، آن وقت چه؟ برای شروع بیایید کالاهای عمومی را به‌گونه‌ای تعریف کنیم که برای این مقاله معنادار باشد. به‌طور سنتی، کالاهای عمومی کالاها یا خدماتی‌اند که معمولا توسط دولت یا سازمان‌های خصوصی بدون سود به همه اعضای جامعه ارائه می‌شوند. نمونه‌های رایج شامل هوای پاک، جاده‌ها، پل‌ها و کتابخانه‌هایند؛ منابع اساسی که به نفع همه، صرف‌نظر از مشارکت فردی عمل می‌کنند. با این حال در وب۳، تعریف کالاهای عمومی کمی تغییر می‌کند. طبق یک تعریف مناسب و مشهور «چالش کلاسیک شبکه‌های غیرمتمرکز این است که آنها کالاهای عمومی‌اند. بدون یک نهاد مرکزی برای کنترل تصمیم‌گیری‌ها و کسب سود، سخت است انگیزه‌ای برای نگهداری و توسعه آنها ایجاد کرد. کریپتو به حل این مشکل از طریق هماهنگی غیرمتمرکز و انگیزه‌های اقتصادی برای توسعه کمک می‌کند. وب۳ قدرت را در دستان جامعه‌ها قرار می‌دهد نه شرکت‌ها.» این نسخه از کالاهای عمومی بر سیستم‌های غیرمتمرکزی بنا شده که به مدل متفاوتی از پایداری نیاز دارند.

درحالی‌که دولت‌ها به‌طور تاریخی کالاهای عمومی را از طریق کنترل متمرکز و مالیات مدیریت کرده‌اند، وب۳ به دلیل ساختار غیرمتمرکز خود، چالشی بی‌نظیر را پیش‌رو قرار می‌دهد که فاقد مکانیسم اجرای مشابه است.

اگر معادل‌های دیجیتال جاده‌ها، پل‌ها و تونل‌ها را در وب۳ در نظر بگیریم، بسیاری از این زیرساخت‌ها نرم‌افزارهای متن‌بازند که برای راه‌اندازی شبکه‌های غیرمتمرکز ضروری‌اند، اما به‌طور مساوی به تأمین مالی مداوم نیاز دارند. برخلاف کالاهای عمومی سنتی که دولت‌ها می‌توانند از طریق مالیات نگهداری کنند، وب۳ فاقد تضمین مشابهی از درآمد است. بدون یک مرجع مرکزی برای الزام به مشارکت‌ها یا نظارت بر تأمین مالی، اکوسیستم‌های وب۳ باید روش‌های جایگزینی برای حفظ زیرساخت‌هایی که از شبکه‌های غیرمتمرکز خود پشتیبانی می‌کنند، پیدا کنند.

چگونه می‌توانیم این کالاهای عمومی دیجیتال را تأمین مالی کنیم وقتی که هیچ سیستمی برای مالیات‌گذاری کاربران یا شرکت‌ها برای حمایت از نگهداری آنها وجود ندارد؟ چند مدل نوآورانه در حال حاضر در حال اجرایند که هدف‌شان این است که تأمین مالی کالاهای عمومی خودکفا باشد، اما مدل‌های دیگری نیز مورد نیاز است. یک مثال اخیر، انتشاری است که توسط تیم بی‌کو، از بنیاد اتریوم در اوایل سال جاری معرفی شد. مأموریت آنها کمک به تحقیق و توسعه اتریوم L1 از طریق نرمالیزه کردن ایده پروژه‌های ساخته شده روی اتریوم برای اهدای یک درصد از توکن بومی خود به پروتکل گیلد است. همچنین وجود اوکتنت که در تلاش است یک مدل خودکفا برای تأمین مالی کالاهای عمومی در یک نسخه جدید از انسان‌دوستی کریپتو ایجاد کند. با حمایت ۱۰۰,۰۰۰ اتریوم سهام‌گذاری شده از خزانه بنیاد گولم، بخشی از این بازده‌ها برای بازگشت به پروژه‌های تأثیرگذار استفاده می‌شود و با استفاده از حکمرانی، جامعه می‌تواند پاداش‌های سهام‌گذاری GLM$ را نگهداری یا اهدا کند. تا به امروز، بیش از ۱۱۵۰ اتریوم به بیش از ۴۰ پروژه و فقط در یک سال توزیع شده است.

تأمین مالی کالاهای عمومی (RPGF) اپتیمیزم از پروژه‌ها براساس تأثیرشان حمایت می‌کند و از طریق رأی‌گیری جامعه با دورهای گرنت که دو بار در سال برگزار شده، سازمان‌دهی می‌شود. تاکنون بیش از ۵۰ میلیون توکن اوپی، در RPGF1، RPGF2، RPGF3 و RPGF4 توزیع شده است. سازمان‌هایی مانند گیت‌کوین که از سال ۲۰۱۹ دورهای گرنت را اجرا می‌کنند، با استفاده از یک روش نوآورانه برای تخصیص سرمایه به نام تأمین مالی مربعی، بیش از ۶۰ میلیون دلار توزیع کرده‌اند. این سیستم به چندین پروژه رونق داده و چندین دریافت‌کننده این گرنت‌ها به یکی از موفق‌ترین شرکت‌ها در اکوسیستم اتریوم تبدیل شده‌اند. شرکت‌هایی مانند یونی‌سوآپ، اپتیمیزم، یرن، گنوسی و وان اینچ نمونه‌هایی از دریافت‌کنندگان اولیه گیت‌کوینند. ارزش بازار جمعی آنهایی که توکن‌هایی راه‌اندازی کردند، به همراه ارزیابی‌های خصوصی دیگرانی که بدون توکن‌های زنده سرمایه جمع کرده‌اند، به‌مراتب بیشتر از میزان اولیه تأمین مالی شده است. درحالی‌که بسیاری از این شرکت‌ها به اکوسیستم بازمی‌گردند و به کالاهای عمومی کمک می‌کنند، جمع‌آوری سرمایه‌های جدید برای دورهای آینده همچنان یک چالش است. این موضوع به‌ویژه در بازارهای خرسی (نزولی) صادق است. زمانی که سرمایه کمیاب است و تأمین مالی مخاطره‌آمیز سخت‌تر به دست می‌آید.

مدل جدید

اگرچه همه پروژه‌های کالاهای عمومی به کسب‌وکارهای سودآور تبدیل نمی‌شوند، چه از طریق تولید درآمد و چه از طریق صدور توکن اما این به‌طور قطع در محدوده امکان‌پذیر است. اما اگر یک مدل داخلی وجود داشته باشد که شرکت‌های بهره‌مند از تأمین مالی کالاهای عمومی بخشی از موفقیت خود را به جامعه بازگردانند، چه؟

ما به سیستمی نیاز داریم که درصدی از عواید یا سودها دوباره به کالاهای عمومی توسط کسانی که از آنها بهره‌مند شده‌اند، سرمایه‌گذاری شود تا پایداری بلندمدت را تضمین کند. برخلاف پروتکل گیلد که کمک‌ها به‌طور خاص از تحقیق و توسعه لایه‌های اول اتریوم حمایت می‌کند، این مدل می‌تواند وجوه را به یک گستره وسیع‌تر هدایت کند که به‌طور مستقیم در اکوسیستم کلی سرمایه‌گذاری می‌کند. درحالی‌که پروتکل گیلد بر توسعه هسته‌ای اتریوم تمرکز دارد، این مدل سرمایه‌گذاری مجدد، به شکلی وسیع‌تر از کالاهای عمومی متنوعی حمایت می‌کند که برای یک اکوسیستم وب۳ شکوفا و ضروری است. هنگام در نظر گرفتن وسایل جمع‌آوری و توزیع سرمایه، یک صندوق خطرپذیر ساختاریافته که به‌طور خاص برای حمایت از کالاهای عمومی طراحی شده به‌نظر می‌رسد بهترین گزینه باشد. این مدل تأمین مالی کالاهای عمومی را از یک عمل خیریه به بخشی جدایی‌ناپذیر از عملیات تجاری تبدیل می‌کند. این وجوه توسط کارشناسان تخصیص سرمایه مدیریت می‌شوند و تمرکز روی سود شخصی نخواهد بود، بلکه روی تقویت و گسترش اکوسیستم خواهد بود.

به‌طور معمول صندوق‌های سرمایه‌گذاری دو درصد از کل سرمایه را به‌طور سالانه برای هزینه‌های عملیاتی، ازجمله حقوق و سایر هزینه‌ها تخصیص می‌دهند. در یک مدل معمولی، ۲۰ درصد از سود صندوق، که به‌عنوان «حمل» شناخته می‌شود، به مدیران صندوق تخصیص داده می‌شود، درحالی‌که ۸۰ درصد باقی‌مانده به سرمایه‌گذارانی بازمی‌گردد که به صندوق کمک کرده‌اند. استفاده از مدلی مانند این به شرکت‌هایی که سرمایه‌گذاری دریافت می‌کنند، اجازه می‌دهد بخشی از موفقیت خود را به صندوق اولیه که به آنها در رشد کمک کرده، بازگردانند. شرکای صندوق خطرپذیر که در سرمایه‌گذاری تجربه دارند، علاوه‌بر حقوق‌شان هنوز انگیزه‌های مالی برای تولید بازده از طریق بخشی از «حمل» خواهند داشت. این حقوق می‌تواند قابل توجه باشد، بسته به دارایی‌های تحت مدیریت.

این هماهنگی انگیزه‌ها اطمینان می‌دهد مدیران صندوق همچنان انگیزه داشته باشند تا در پروژه‌های موفق سرمایه‌گذاری کنند؛ چراکه موفقیت مالی خودشان به سلامت و رشد کلی اکوسیستم وابسته است. هر موفقیتی که به صندوق برمی‌گردد، اندازه‌اش همچنان رشد خواهد کرد. اگر هماهنگ کردن انگیزه‌ها به نتایج بهتری منجر شود، این رویکرد برای خصوصی‌سازی سرمایه‌گذاری در کالاهای عمومی می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد. دریافت سرمایه از این صندوق می‌تواند به اکوسیستم نشان دهد یک پروژه متعهد به بازگشت به جامعه است و این را از پروژه‌هایی که چنین کاری انجام نمی‌دهند، متمایز می‌کند. این تقویت مثبت می‌تواند شهرت صندوق را افزایش دهد، معاملات برتر را جذب کند و به آن اجازه دهد به‌طور مداوم دوباره در اکوسیستم کالاهای عمومی سرمایه‌گذاری کند.

تأمین مالی کالاهای عمومی مسأله‌ای پیچیده است و احتمالا راه‌حلی وجود نداشته باشد که برای همه مناسب به نظر برسد. درحالی‌که مدل‌های خیریه تاکنون رویکرد اصلی بوده‌اند، ایده خصوصی‌سازی سرمایه‌گذاری در کالاهای عمومی - که به این کالاها اجازه می‌دهد بدون وابستگی به خیریه رشد کنند - مسیر جذابی برای پیشرفت ارائه می‌دهد. با هماهنگ کردن انگیزه‌ها و ایجاد وسایل تأمین مالی جدید، می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که کالاهای عمومی بخشی جدایی‌ناپذیر و خودگردان از رشد بلندمدت وب۳ شوند. حالا وقت آن است که دوباره فکر کنیم چگونه زیربنایی را تأمین مالی کنیم که شبکه‌های غیرمتمرکز را قدرتمند می‌کند.

بیت به ۶۵ لبخند زد!

بیت‌کوین (BTC) انعطاف‌پذیری قابل توجهی را در سپتامبر امسال، یک ماه معمولا نزولی، از خود نشان داده و از پایین‌ترین قیمت ماهانه خود یعنی حدود ۵۲۵۰۰ دلار، ۲۲ درصد افزایش یافته است. اکنون همه نگاه‌ها به مرز بحرانی ۶۵۲۰۰ دلار دوخته شده است و فعالان بازار به دقت آن را زیر نظر دارند تا ببینند آیا می‌تواند از روند نزولی فعلی خارج شود یا خیر. از زمان صعود به بالاترین سطح در ماه مارس، بزرگ‌ترین ارز رمزنگاری شده در یک کانال نزولی طولانی معامله می‌شود که برای بسیاری از سرمایه‌گذاران احساس انزجار ایجاد می‌کند. برای به دست آوردن بینش در مورد رفتار معاملاتی بیت‌کوین، تحلیلی را با استفاده از سیستم افزایش قیمت ۱۰ درصد در نظر بگیرید. این مقایسه منصفانه‌تری نسبت به استفاده از مقادیر ثابت دلار ارائه می‌دهد که می‌تواند با افزایش قیمت، تحلیل را مخدوش کند. با تمرکز بر تغییرات درصدی، می‌توان درک بهتری از نحوه حرکت بیت‌کوین نسبت به ارزش خود داشت، نه اینکه توسط تغییرات مطلق قیمت منحرف شد. تجزیه‌وتحلیل نشان می‌دهد طولانی‌ترین بازه معاملاتی بین ۸۸۶۵ تا ۹۷۵۲ دلار بوده که به مدت ۱۵۵ روز ادامه داشته است. این تعجب‌آور نیست زیرا با چرخه بازار ۲۰۱۹-۲۰۱۸ مصادف شد. در طول این مدت، بیت‌کوین پس از اوج بازار صعودی پس از سال ۲۰۱۷ و قبل از بهبودی که در اواسط سال ۲۰۱۹ آغاز شد، در حال تثبیت بود. قابل ذکر است، این موضوع اعماق بازار نزولی را از ماه نوامبر ۲۰۱۸ تا ماه می ۲۰۱۹، زمانی که بیت‌کوین زیر ۵۰۰۰ دلار معامله می‌شد، حذف می‌کند. اخیرا بیت‌کوین ۱۱۱ روز بین ۵۴۲۷۱ تا ۵۹۶۹۹ دلار خرج کرده و تاکنون ۱۲۶ روز معاملاتی را در محدوده فعلی ۵۹۷۰۰ تا ۶۵۶۷۰ دلار سپری کرده است، دوره‌ای که در صورت تکرار تاریخ می‌تواند تمدید شود. این دوره‌های طولانی تثبیت بی‌سابقه نیستند، همان‌طور که در محدوده ۸۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ دلار دیده می‌شود، جایی که بیت‌کوین برای صدها روز معامله می‌شود. این دیدگاه تاریخی نشان می‌دهد که بیت‌کوین می‌تواند تا پایان اکتبر بدون شکستن، براساس رفتار گذشته به تجارت در محدوده فعلی خود ادامه دهد. این یک یادآوری واضح است که بیت‌کوین اغلب در چرخه‌های طولانی ادغام حرکت می‌کند، فقط برای انجام حرکات قابل توجه در زمانی که کمترین انتظار را داشت. با نزدیک شدن بیت‌کوین به سطوح بحرانی، صبور بودن و در نظر گرفتن این روندهای بلندمدت ضروری است. ماهیت چرخه‌ای بازار نشان می‌دهد که اگرچه این روند نزولی ممکن است بی‌پایان به نظر برسد اما شکست‌ها، زمانی که رخ می‌دهند، اغلب فرصت‌های مهمی را به همراه دارند. چه بیت‌کوین به زودی از ۶۵۲۰۰ دلار عبور کند یا نه، درک این محدوده‌های معاملاتی بینش ارزشمندی را در مورد جهت بالقوه آینده بازار ارائه می‌دهد.

این دوره‌های تثبیت و کاهش نوسان‌ها را می‌توان به صورت مثبت مشاهده کرد. در چرخه فعلی، کاهش‌ها در مقایسه با چرخه‌های قبلی کمترین میزان را دارند و بیشترین کاهش کمتر از ۳۰ درصد است. این ثبات برای سرمایه‌گذاران نهادی جدید که ممکن است قادر به مدیریت نوسان‌های شدید نباشند، بسیار مهم است.

بیت‌کوین: کاهش‌های اصلاحی بازارگاوی

بیت‌کوین در حال حاضر کمتر از یک درصد در سه‌ماهه سوم رشد داشته و تنها پنج روز معاملاتی باقی مانده است. این یک دوره چالش‌برانگیز برای بیت‌کوین بود، با بادهای مخالف مانند فروش توسط دولت آلمان و بازخرید بدهی‌های صرافی مت‌گاگس که این دو مورد به فروش گسترده بیت‌کوین در بازار و کاهش طبیعی قیمت منجر شد. علاوه‌بر این، مطابق سابقه، سه‌ماهه سوم سال میلادی معمولا ضعیف‌ترین فصل برای بیت‌کوین است.

جزئیات تازه‌ای از ورشکستگی صرافی اف‌تی‌ایکس

خطای حسابرس ناشی!

حسابرسان صرافی اف‌تی‌ایکس به تازگی با کمیسیون اوراق بهادار آمریکا بر سر اتهام‌های تخلف تسویه حساب کردند. با این حال پای شرکت‌های دیگری نیز به این پرونده باز شده است.

کلاهبرداری‌ها تصادفی اتفاق نمی‌افتند، آنها نیاز به نیت دارند. در موارد نادر که یک کلاهبرداری اتفاق می‌افتد، سرمایه‌گذاران انتظار دارند که دروازه‌بانان گزارشگری مالی عادلانه، یعنی حسابرسان، آنجا باشند تا کلاهبرداری را شناسایی کنند و قبل از اینکه دیر شود از سرمایه‌گذاری‌شان محافظت کنند. اما چه اتفاقی می‌افتد وقتی دروازه‌بانان با حداقل استانداردهای شایستگی و کیفیت صنعت مطابقت ندارند؟ ما با ورشکستگی صرافی اف‌تی‌ایکس و شکست حسابرسی شرکت پرگرمتیس مواجه می‌شویم. برای وضوح، کلاهبرداری صرافی اف‌تی‌ایکس و ورشکستگی ناشی از آن در درجه اول نتیجه اقداماتی است که توسط مؤسس آن، سم بنکمن-فرید (که معمولا به‌عنوان SBF شناخته می‌شود) انجام شده است. اما برای اینکه کلاهبرداری ادامه پیدا کند و به این ابعاد برسد، به قصور حسابرس آن، شرکت حسابرسی پرگرمتیس نیاز بود که به تازگی با کمیسیون اوراق بهادار آمریکا بر سر اتهام‌های تخلف تسویه حساب کرده و مبلغ ۷۴۵,۰۰۰ دلار پرداخت کرده است. این اتهامات برای صنعت مفیدند، برای سرمایه‌گذاران خوبند و باید به جلوگیری از چنین اقداماتی توسط شرکت‌های حسابداری فرصت‌طلب در آینده کمک کند.

استانداردهای حسابرسی به حداقل‌هایی نیاز دارند که حسابرسان با نهاد و محیط آن آشنا شوند، شایستگی و استقلال برای انجام حسابرسی داشته باشند و بتوانند به‌طور مؤثر حسابرسی را اداره کنند. این استانداردها چه مشتری حسابرسی یک مشتری جدید باشد یا یک مغازه کوچک محلی یا یک صرافی رمزارز چند میلیارد دلاری با یک شرکت تجاری مرتبط، قابل اجرایند. پرگرمتیس که در نیویورک مستقر است، به سرعت وارد این حوزه شد. این شرکت اولین شرکتی بود که اعلام کرد دفتر مرکزی متاورس را در بازی متاورسی دیسنترالند راه‌اندازی کرده است. این شرکت صرافی اف‌تی‌ایکس را به‌عنوان مشتری گرفت و ظاهرا می‌خواست به‌عنوان شرکت حسابداری آینده معرفی شود. اما با این حال، همان‌طور که کمیسیون اوراق بهادار آمریکا اعلام کرده، این شرکت فاقد درک و شایستگی اولیه برای حسابرسی صنعت بود.

صنعت بلاک‌چین و رمزارز از زمان تأسیسش با کلاهبرداری‌ها دست‌وپنجه نرم کرده، حتی اگر موارد کلاهبرداری از سطح ۲۰۱۸ کاهش یافته به نظر برسد. خود صنعت یک صنعت پرخطر است که نیاز به دانش تخصصی و درک عمیق دارد از اینکه چگونه صرافی‌های سنتی، بلاک‌چین‌ها و استراتژی‌های سرمایه‌گذاری با هم کار می‌کنند. به نظر می‌رسد شرکت حسابرسی پرگرمتیس این دانش بنیادی را نداشت. این شرکت ریسک‌های مرتبط با بخش تجاری صرافی اف‌تی‌ایکس، یعنی شرکت آماندا ریسرچ را درک نکرد و همچنین تحقیق و بررسی لازم را انجام نداد تا اطمینان حاصل کند که مشتریان و سرمایه‌گذاران محافظت شده‌اند. در چنین شرایطی، همیشه آسان است که بعدا به قضاوت بنشینیم و بگوییم این می‌توانست برای هر حسابرس و هر مشتری اتفاق بیفتد. اما در اینجا، شکست خاص و منحصربه‌فرد بود. حسابرسی شرکت حسابرسی پرگرمتیس شکست خورد و این شکست به این دلیل بود که آنها حداقل استاندارد مراقبت حرفه‌ای را رعایت نکردند درحالی‌که نشانه‌های زیادی از بروز یک بحران وجود داشت.

به نظر می‌رسد صرافی اف‌تی‌ایکس سوابق حسابداری‌اش را در کانال‌های نرم‌افزار ساده اسلک، پیام‌های شخصی و اپلیکیشن کوییک بوکز نگه می‌داشت. کوییک بوکز یک ابزار خوب است اگر شما یک صاحب کسب‌وکار کوچک باشید که تازه شروع کرده‌اید اما برای یک صرافی پیچیده با ارزشی میلیاردی، یک ابزار غیرقابل قبول است و باید زنگ خطر را برای حسابرس به صدا درآورد، اما این کار انجام نشد. نگهداری سوابق در چنین نرم‌افزارهای سطح پایینی باید زنگ خطرهایی را به وجود می‌آورد، اما این هم نشد. میلیاردها دلار نقدی که بین صرافی اف‌تی‌ایکس و آماندا ریسرچ منتقل شد باید زنگ خطرهایی را به وجود می‌آورد و حسابرس را به تحقیق بیشتر درباره این رابطه وادار می‌کرد اما این هم نشد.

اینها سوءتفاهم‌های پیچیده در مناطق خاکستری نیستند، اینها ریسک‌های واضحی‌اند که شرکت حسابرسی پرگرمتیس باید شناسایی می‌کرد، به آنها پاسخ می‌داد و شواهد بیشتری برای اطمینان از کاهش ریسک اشتباه‌ها به سطح معقول جست‌وجو می‌کرد. متأسفانه این شرکت همان‌طور که کمیسیون اوراق بهادار آمریکا متهم کرده، سطح مناسبی از شک و تردید را برای پاسخ به ریسک‌ها به کار نبرد، عمدتا به این دلیل که به نظر می‌رسید درک لازم یا دانش فنی در مورد مشتریان رمزارز را نداشتند که برای رعایت استانداردهای حسابرسی ضروری است.

اقدامات کمیسیون اوراق بهادار آمریکا باید به شرکت‌های حسابرسی هشدار دهد، صرف‌نظر از اینکه در صنعت رمزارز یا بلاک‌چین درگیرند یا نه. فقط به این دلیل که یک حوزه جدید و جالب مانند رمزارز با ورود نقدینگی‌های کلان مواجه است، به این معنا نیست که همه شرکت‌های حسابرسی باید به سرعت وارد این میدان شوند، حتی اگر بازار جدیدی با جریان‌های درآمدی جدید در انتظار باشد. درک یک فناوری و صنعت جدید زمان، تحقیق و تجربه می‌طلبد. اگر شرکت‌های حسابرسی نتوانند به سرعت مهارت‌های خود را ارتقا دهند، بهتر است به‌عنوان پذیرندگان دیرهنگام به این صنعت وارد شوند و نه به‌عنوان پیشگامان.

اقدامات کمیسیون اوراق بهادار آمریکا همچنین به سرمایه‌گذاران نشان می‌دهد تنظیم‌کننده‌ها هنوز در حال انجام وظایف‌شانند، حتی زمانی که دروازه‌بان‌ها در انجام وظایف خود شکست می‌خورند. آنها هنوز هم شرکت‌ها را مسئول می‌دانند وقتی که استانداردهای حسابرسی عمومی را رعایت نمی‌کنند. آنها هنوز هم جریمه‌هایی وضع می‌کنند و رویه‌های کنترل کیفیت مستقل را اعمال می‌کنند، حتی درحالی‌که صنعت در حال آماده‌سازی برای استانداردهای مدیریت کیفیت بهبودیافته در سال‌های آینده است و آنها هنوز هم روی ناظران، یعنی حسابرسان مستقل، نظارت دارند.

حسابرسان فعلی و آینده صرافی‌های رمزارز و کسب‌وکارها و پلتفرم‌های بلاک‌چین به وضوح از سوی کمیسیون اوراق بهادار آمریکا هشدار گرفته‌اند: صنعت و مشتری خود را بشناسید یا دور بمانید. استانداردها فقط حداقل الزاماتند. با وجود صنایع و مشتریان جدید، حسابرسان باید فراتر از حداقل‌ها بروند تا ریسک‌هایی که صنعت و مشتریان جدید ارائه می‌دهند را درک کنند. رسیدن به این استاندارد جلوی کلاهبرداران را نمی‌گیرد اما شانس اینکه حسابرس به‌درستی کلاهبرداری را قبل از آسیب غیرقابل جبران به سرمایه‌گذاران شناسایی کند، به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهد؛ وظیفه‌ای که وقتی حسابرس شایستگی و تخصص لازم برای شناسایی زودهنگام ریسک‌ها را دارد، به‌مراتب آسان‌تر می‌شود و اگر یک حسابرس آینده به هشدار کمیسیون اوراق بهادار آمریکا توجه نکند، می‌تواند انتظار مجازات‌ها، تحریم‌ها و اقداماتی سریع و قاطع را داشته باشد.